



گروه تئاتر چهره

TSCHEHREH-THEATER



شاپرک خانم

نمایشی برای کودکان و بزرگسالان

نویسنده: بیژن مفید

کارگردان: اصغر نصرتی

Der SCHMETTERLING

Theater für Kinder und Erwachsene

Von: Bijan Mofied

Regie: Asghar Nosrati

Mitwirkende

Clara Karami	<i>Der Schmetterling</i>
Forod Heidari	<i>Die Spinne</i>
Maruss Arij	<i>Die Heuschrecke</i>
Tusca Arij	<i>Kakerlakenkind</i>
Bahareh Nosrati	<i>Kakerlakenkind</i>
Narges Nassiri	<i>Kakerlakenmutter</i>
Hadi Kermani	<i>Das Glühwürmchen</i>
Kianosh Assadi	<i>Die Honigbiene</i>
Asghar Nosrati	<i>Die Fliege</i>

Maske: Hadi Assadi

Licht & Effekt: Bahman Filsoof
Rassol Eydiezadeh

Plakatentwurf: Asghar Dawari

Kostüm: Asghar Dawari
Mehrnousch Eshaghi
(Für den Schmetterling)

Ton- & Musikschnitt: F. Chegini

Dramaturgie: Keiwan Bahadori

Mit Dank an: Rassol Eydiezadeh,
Ali Jalaly,
Shahriar Zarabadi,
Farideh Rasawi,
SOKOUT-Theater
Und den Anderen.

کُلن، تابستان ۱۳۷۷

Köln, Sommer 1998

آدرس ارتباطی: Kontaktadresse:
Tschehreh
Postfach 10 36 61
D-50476 Köln
Tel. & Fax: 0221-2405665

Über das Stück

1. Szene:

Die "Shaparak- Chanum" ist der Schmetterling. Auf ihrer Flucht vor einem Raben fällt sie ins Netz eines alten, häßlichen und hungrigen Spinnenmännchens, abgeschieden von der Sonne und dem Blumengarten. Mit ihrer Schönheit und ihrem Mut schafft sie es die alte Spinne zu besänftigen. Die Spinne ist bereit sie am Leben zu lassen, wenn die "Shaparak-Chanum" die anderen Tiere verführt und für die Spinne zum Fressen bringt. Die Hoffnung auf Wiedersehen mit der Sonne einerseits, und der Zustand der alten Spinne andererseits zwingt sie den schmutzigen Packt einzugehen, um von der Spinne nicht gefressen zu werden.

2. Szene:

Ihr erstes Opfer soll die Heuschrecke sein, die als Schreiner arbeitet. Von ihrem Fleiß und ihrer Hilfsbereitschaft beeindruckt, bringt die Shaparak-Chanum es nicht fertig die Heuschrecke zu überlisten.

3. Szene:

Die Kakerlakenmutter, die als Witwe mit ihren Kindern alleine dasteht und deren Mann von der Spinne gefressen wurde, weckt auch das Mitleid in ihr.

4. Szene:

Weiter auf ihrem Weg auf der Suche nach anderen Opfern, stößt sie auf das Glühwürmchen mit seinem Guckkasten. Enttäuscht von dem künstlichen Licht aus dem Kasten sehnt sie sich um so mehr nach der Sonne und nach Freiheit.

5. Szene:

Die Liebe und die Zuneigung des Honigbienen-Männchens zu ihr, die gemeinsame Sehnsucht nach der Sonne, bringt sie wiederum von ihrem Vorhaben ab, ihn zu der Spinne zu locken.

6. Szene:

Der Charm der Fliege (der Magier), die sich "Professor Magieß" nennt, läßt sie auch nicht ihr Vorhaben durchziehen. Nieder geschlagen, zum Sterben breit kehrt sie zu dem Spinnenmännchen zurück, um von ihm gefressen zu werden ...

Deutsch von Hadi Kermani

درباره‌ی نویسنده

آرزویمان بود که نمایش **شاپرک خانم** را به همراه ویژه‌نامه‌های در باره زندگیا **بیژن مفید** به صحنه آوریم. اما چنین نشد و این نخستین‌بار نیست که واقعه‌ستحای موجود خلاف آرزوها عمل می‌کنند. از مدت‌ها پیش هر چه کوشش کردیم که شاید از جامعه‌هنری خارج از کشور برای زندگیا **بیژن مفید** مطالب و اطلاعات با ارزش و در خور توجه بدست آوریم، متأسفانه موفق نشدیم و این قبل از همه متوجه کم‌کاری کسانی بود که از روی تنبلی و شاید نیت دیگر ما را یاری نکردند! و ما نیز به اجبار تنها به آنچه که خود داشتیم بسنده کردیم.

بیژن مفید در نهم خرداد سال ۱۳۱۴ در تهران به دنیا آمد. در دانشکده حقوق و سپس ادبیات به ادامه تحصیل پرداخت.

سال ۱۳۴۱ که **جرج کوپین‌بی** برای دومین بار به ایران آمده بود، در دانشگاه تهران و انجمن فرهنگی ایران‌آمریکا کلاس‌های بازیگری (دوره هنرستان هنرپیشگی) دایر کرد که بیژن مفید از جمله شاگردان آن کلاس‌ها بود و در بسیاری از نمایشنامه‌های اجرادهی این دوره آموزشی، از جمله **طغیان جوانی** نوشته **یوجین اونیل** و **باغوحش شیشه‌ای** اثر **تسی ویلیامز** اینای نقش کرد. وی همچنین سال ۱۳۵۱ در کلاس‌های بازیگری "هنرهای زیبای کشور" شرکت جست از جمله استادان وی در این دوره **فرانک دیویدسن** بود.

بعدها با همیاری **جمیله ندایی** برادرانش (**بهمن** و **اردلان**) و شماری دیگر گروه نمایشی خود را شکل داد و سال‌ها با همین افراد کارهای نمایشی خود را به روی صحنه و یا برای رادیو تنظیم کرد در شکل‌گیری و فعالیت کارگاه نمایش شرکت فعال داشت و در افتتاحیه کارگاه نمایش نمایشنامه معروف خود، **شهر قصه** را به روی صحنه آورد.

نمایشنامه‌های مفید به خاطر محتوای مردمی و عامه‌پسند و نیز غنای شاعرانه و فلسفی از شهرت فراوانی برخوردارند. بهره‌گیری از ادبیات عامیانه، ادبیات کلاسیک فارسی و موسیقی از ویژگی‌های بارز نمایشنامه‌ی وی است. شاید همین ویژگی‌ها بود که کارهای نمایشی او را با موفقیت‌های بسیار روبرو می‌ساخت. اجرای سه‌ساله‌ی نمایش شهرقصه در تهران و شهرستان‌های ایران دلیل این مدعاست. از بیژن مفید نزدیک به ۳۰ نمایشنامه به چاپ رسیده که معروفترین آنها عبارتند از شهرقصه (۱۳۴۸)، **ماه و پلنگ** (۱۳۴۸)، **جان‌نثار** (۱۳۵۲) و **شاپرک خانم**.

همچنین وی سال‌ها در رادیو ملی ایران فعالیت کرد که حاصل تلاش این سال‌ها نوشتن، ترجمه یا اقتباس بیش از ۱۵۰ نمایشنامه رادیویی است که از میان آنها می‌توان از **واشل** (۱۳۴۱) نام برد.

جامعه تئاتری ایران با مرگ بیژن مفید در ۲۱ آبان ۱۳۶۳ (آمریکا) یکی از پرشورترین و با استعدادترین هنرمند تئاتری خود را از دست داد. یادش گرامی باد!

گروه تئاتر چهره

اصغر نصرتی

ایفاگران:

شاپرک خانم کلارا کرمی

عنگبوت فرود حیدری

ملخ ماروس آریج

موسکی توسکا آریج

سوسکی بهاره نصرتی

مادرسوسک‌ها نرگس نصیری

گرم‌شب‌تاب هادی کرمانی

زنبور کیانوش اسدی

مگس اصغر نصرتی

طرح و اجرای گریم هادی اسدی

رسول عیدی‌زاده نود و صدا بهمن فیلسوف

طراح آفیش اصغر داوری

طرح لباس

اصغر داوری

مهرنوش اسحقی (شاپرک خانم)

تدوین موسیقی و صدا فریدون چگینی

مشاور نمایشی کیوان بهادری

تنظیم پروشور اصغر نصرتی

تدازکات رسول عیدی‌زاده

با سپاس از: علیرضا کوشک جلالی،

شهریار زرآبادی،

خانم فریده رضوی،

گروه تئاتر سکوت

و همه کسانی که ما را در این کار یاری کردند.